

بررسی انواع ایهام تناسب

در کتاب فارسی ۳

دکتر رقیه مقدم

دکتر حسن ابراهیم‌زاد

کارشناسان و سرگروه‌های زبان و ادب فارسی آذربایجان غربی

چکیده

ایهام یکی از شگردهای زیبایی‌زبانی در ادبیات است که در آن شاعر یا نویسنده در سخن خود از واژه، عبارت یا جمله‌ای بهره می‌گیرد که خود آن به تنهایی و همچنین در ارتباط با سایر اجزا و ارکان جمله معانی مختلفی را به ذهن خواننده متبادر می‌کند. در این مقاله سعی شده است که انواع مختلف ایهام تناسب در کتاب فارسی ۳ نشان داده شود.

کلیدواژه‌ها: ایهام، تناسب، ترادف، تبادر، تضاد، استخدام

مقدمه:

با بررسی کتاب‌های بلاغی، در می‌یابیم که در بعضی از آن‌ها از جمله «ترجمان البلاغه» اثر رادویانی بحث ایهام مطرح نشده است. تعریف وطواط هم در حدائق السحراز ایهام، بیش‌تر به تعریف ایهام تناسب نزدیک است. اولین کسی که مبحث ایهام تناسب، ایهام تضاد و استخدام را مطرح کرد، فندرسکی در کتاب «رسالة بیان بدیع» بود. سال‌ها بعد، علامه همایی در کتاب «فنون بلاغات و صناعات ادبی» خود درباره ایهام، ایهام تناسب و استخدام سخن گفت.

ایهام نوعی ایجاز قصر و از زیبایی‌های زبانی در سخن است که می‌تواند چند معنی مختلف را در قالب واژه و عبارت و جمله در ذهن تداعی کند؛ در حالی که در ظاهر کلام فقط یک واژه یا عبارت حضور دارد. سیروس شمیسا می‌نویسد: «کلمه‌ای که در کلام حداقل به دو معنی به کار رفته باشد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۲۵) «هر دو معنی نهایتاً با هم عمل می‌کنند و اثر روانی و زیبایی‌شناسانه ایهام هم در این توجه خواننده به هر دو معنی است» (همان: ۱۲۴) اما ایهام همیشه در یک لفظ نیست. گاهی در یک جمله و گاهی با وصل و فصل خواندن دو مصراع یا دو جمله یا یک جمله، معنی بیت عوض می‌شود.

ایهام از جمله ویژگی‌های ادبی مورد استفاده بسیاری از شاعران زبان و ادبیات فارسی است و به خصوص، ویژگی سبک ادبی حافظ محسوب می‌شود. هر شاعری که به هر دلیلی صراحت لهجه نداشته،

به این سبک ادبی روی آورده است. در درس هشتم فارسی ۳ پاسخ خودارزیابی سه در قلمرو فکری، بیتی از حافظ آمده است که در آن ایهام لطیفی مشاهده می‌شود. در واقع، شاعر با بهره‌گیری از ایهام سخن خود را پوشیده بیان کرده است:

راستی خاتم فیروزه بواسحاقی

خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود

هنگامی که حافظ به جرم دوستی با ابوالاسحاق به دست امیر مبارزالدین گرفتار می‌شود، با ارائه این دلیل که فیروزه بواسحاقی، فیروزه مشهوری است و ربطی به ابوالاسحاق اینجوی ندارد، از چنگال مرگ‌رهایی می‌یابد. احتیاط و دو پهلو بودن سخن حافظ سبب می‌شود که او هم حق دوستی خود را نسبت به شاه مقتول به جا آورده و هم راه گریزی برای خود بگذارد.

گفت: «می‌باید تو را تا خانه قاضی برم»

گفت: «رو صبح آی، قاضی نیمه‌شب بیدار نیست»

ص ۱۹ فارسی درس دوم

بیدار ایهام دارد؛ یکی در معنی «هوشیار» و دیگری در معنی «کسی که خواب نیست».

زاهد ظاهر پرست از حال ما آگاه نیست

در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست

ص ۲۰ فارسی ۳ قلمرو زبانی

در حق ایهام دارد؛ یکی در معنی «در مورد ما» و دیگری «در مورد خدای ما» معنی می‌شود.

ایهام تناسب را به توجه به کاربرد فزاینده آن و زیبایی ویژه‌ای که به کلام می‌بخشد، می‌توان به صورت مجزا بررسی کرد و انواع مختلف ایهام را زیر مجموعه آن قرار داد.

ایهام تناسب

در ایهام تناسب کلمه‌ای در شعر یا نثر به کار می‌رود و معنی دور کلمه با سایر کلمات داخل بیت تناسب دارد. جلال‌الدین همایی درباره ایهام تناسب می‌نویسد: «آن است که الفاظ جمله در آن

معنی که مراد گوینده است با یکدیگر متناسب نباشد اما در معنی دیگر تناسب داشته باشد» (همایی، ۱۳۶۱: ۲۷۶).

مانند:

**«لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید
مگر از آتش دوزخ بؤدش روی رهایی
(سنایی، ستایش ص ۱۰)**

مگر به معنای «شاید» و نیز «امید» است. روی در معنی «امکان» است و در معنی «چهره» با کلمات لب و دندان ایهام تناسب دارد. همچنین در معنی فلز با آتش ایهام تناسب دارد.

**گر در سرت هوای وصال است حافظا
باید که خاک در گه اهل هنر شوی
(ص ۲۳ فارسی ۳، شعرخوانی)**

هوا در اینجا به معنی «میل» و «آرزو» است اما با «باد» به سبب اینکه یکی از عناصر اربعه است، ایهام تناسب دارد.

۱. ایهام ترادف یا ترجمه:

گاهی کلمه‌ای دو یا چند معنی دارد و در شعر، مترادف یا ترجمه آن در معنی غایب که مراد شاعر نیست، آمده است. این گونه کلمات امکان دارد هر دو فارسی یا عربی، یا اینکه یکی فارسی و دیگری عربی باشد. نخستین بار شمس‌العلماء محمدحسین گرگانی در «ابدع البدایع» از ایهام ترجمه نوشت: «ایهام ترجمه آن است که در کلام الفاضلی می‌آورند که در لغت دیگر ترجمه لفظ سابق باشد و متکلم معنی دیگر خواسته باشد» (گرگانی، ۱۳۷۷: ۱۲۰). ایهام ترادف از ایهام تناسب هنری تر است.

با محتسبیم عیب مگوئید که او نیز

پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است

(ص ۲۱ بخش خودارزیابی قلمرو ادبی)

«مدام» ایهام دارد؛ یکی در معنی «پیوسته» و دیگری در معنی «شراب». همچنین در بیت معنی پیوسته برای کلمه مدام ذکر شده که ایهام ترجمه است. ایهام ترجمه را در فارسی ۲ درس هفدهم هم مشاهده می‌کنیم:

روستایی که با صدرش، با سینه‌اش

از شرافت خاک و کرامت انسان بودن دفاع کرد

که در اینجا معنی «صدر» در داخل بیت «سینه» آمده است و با هم ایهام ترجمه می‌سازند.

۲. ایهام تبادر

واژه‌ای در کلام است که کلمه‌ای دیگر را به ذهن متبادر می‌کند. جهان‌دوست سبزی‌پور در مقاله‌ای ایهام تبادر را به چهار دسته تقسیم می‌کند و می‌گوید: «واژه و ترکیب‌هایی که یادآور واژه‌های هم‌نویسه و یا هم‌تلفظ یا مرکب و بسیط و یا با کم و زیاد بودن یک حرف یا بییتی که بیت دیگری را به کمک تناسب و پیوندهای کلامی با سایر کلمات متن، به ذهن می‌آورد و یادآور واژه یا ترکیب یا بییتی هم‌نویسه و یا هم‌تلفظ و غیرهم‌معنا با خود می‌شود» (سبزی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

**ای مهربان‌تر از برگ در بوسه‌های باران
بیداری ستاره، در چشم جویباران**

در این بیت از شفیعی کدکنی در شعرخوانی ص ۵۷ فارسی ۳ می‌توان در واژه «چشم» ایهام تبادر را یافت که در هم‌نشینی سایر کلمات بیت، «چشمه» را به یاد می‌آورد.

**همه از بهر تو سرگشته و فرمان‌بردار
شرط انصاف نباشد که تو فرمان‌بری**

در درس یکم ص ۱۲ «سرگشته» کلمه «گماشته» را به ذهن متبادر می‌کند که با «فرمان‌بردار» تناسب دارد.

**یک قصه بیش نیست غم عشق و این عجب
کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است
(ص ۱۵۶ فارسی ۳، قلمرو فکری)**

«قصه» در این بیت با توجه به غم، کلمه «غصه» را به ذهن متبادر می‌کند و به نوعی ایهام تبادر دارد. حتی می‌توان کلمه «کر» را از «نامکرر» با توجه به شنیدن در نظر گرفت.

وجه خدا اگر شودت منظر نظر

**زین پس شکی نماند که صاحب‌خبر شوی
(ص ۲۳ فارسی ۳)**

منظر در اینجا به معنی نظرگاه است اما با توجه به معنی «نظر»، «چشم» و «وجه» در معنی دور چهره، معنی چهره و سیما را به ذهن متبادر می‌کند و ایهام تبادر دارد. «وجه» در اینجا به معنی رضایت خدا و یا به قولی ذات خداست اما در معنی «چهره» با «نظر» در معنی «چشم» ایهام تناسب دارد.

۳. ایهام تضاد:

اگر کلمه دارای دو معنی باشد که در معنی دور خود با سایر کلمات بیت تضاد داشته باشد، ایهام تضاد شکل می‌گیرد. در کتاب «بدیع ساده در ادب فارسی» می‌خوانیم: «دو لفظ به کار می‌برند که یکی از آن دو لفظ دو معنی داشته باشد و یکی از آن دو معنی که فعلاً مقصود نیست، با معنای لفظ دیگر متضاد باشد» (حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۱).

در نیابد حال پخته هیچ خام

پس سخن کوتاه باید، والسلام

ص ۴۷ فارسی ۳ درس ششم که خام در معنی بی‌تجربه است ولی با کلمه پخته در بیت تضاد دارد.

۴. ایهام استخدام:

عبارت از آن است که واژه‌ای را در نظم و نثر به کار ببرند که دو معنا داشته باشد و در یک معنا با برخی از واژه‌ها و در معنای دیگر با برخی دیگر از واژه‌ها در کلام متناسب باشد. استخدام را دو نوع دانسته‌اند: الف. «لفظی دارای چند معنی باشد و آن را طوری در نظم و نثر بیاورند که با یک جمله یک معنی و با جمله دیگر معنی دیگری داشته باشد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۲۵). فرق آن با ایهام این است که در ایهام اگر یکی از معانی ایهامی را در نظر بگیریم، جمله معنی می‌شود؛ هرچند قسمتی از تلاش شاعر ضایع می‌گردد، ولی

نتیجه‌گیری

ایهام و به‌ویژه ایهام تناسب از آرایه‌های معنوی است که سبب زیبایی معنای می‌شود. ایهام تناسب انواع مختلفی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان ایهام ترجمه، ایهام تبادر، ایهام تضاد، ایهام کنایی، ایهام ساختاری و استخدام را نام برد. در فارسی ۳ برای انواع مختلف ایهام تناسب نمونه‌هایی وجود دارد.

در استخدام باید هم‌زمان، معانی مختلف کلمه در بیت لحاظ شود و گرنه بیت بی‌معنی می‌گردد. گاهی اوقات آن لفظ، اسم و گاهی فعل یا مصدر است. هنگامی که معانی مختلف استخدام در جمله ذکر می‌شود، به‌نظر می‌رسد که جملات منطقی نیستند.

ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راهنمایی

که در «تو ام راهنمایی» استخدام وجود دارد؛ یکی به معنی «تو راهنمای من هستی» و دیگری «تو راه را به من نشان می‌دهی» (ص ۱۰ فارسی ۳ ستایش).

۵. ایهام کنایی:

نوعی ایهام است که در سبک هندی به اوج می‌رسد و چنان است که شاعر کنایه یا ضرب‌المثل را در یک مصراع می‌آورد که معنای کنایی آن مدنظر است اما در مصراع دیگر، کلماتی وجود دارد که اگر معنای کنایه را لحاظ نکنیم و به معنی ظاهری توجه کنیم، این شیوه بیان نه تنها بی‌معنی نخواهد بود بلکه دارای زیبایی نیز هست.

گفت آگه نیستی کز سر در افتادت کلاه گفت در سر عقل باید، بی‌کلاهی عار نیست

(ص ۱۹ فارسی ۳ درس دوم)

افتادن کلاه از سر ایهام کنایی دارد؛ در معنی ظاهری، همان افتادن کلاه از سر است و در معنی دور به معنی از دست دادن اعتبار می‌باشد.

یک دم غریق بحر خدا شو گمان مبر کز آب هفت بحر به یک موی تر شوی

(ص ۲۳ فارسی ۳، شعرخوانی)

که در اینجا «تر شدن» به معنی گرفتار آلودگی و گناه شدن است و «تر» در عین حال با کلمات غریق و بحر تناسب دارد.

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

(ص ۲۲ فارسی ۳، شعرخوانی)

«زر» دارای دو معنی است؛ در معنی فلز طلا شدن، با کلمه مس تناسب دارد و در معنی کنایی، مقام بلند یافتن است.

۶. ایهام ساختاری:

در این نوع ایهام در یک مصراع یا بیت، با تکیه کردن بر یک کلمه یا با وصل و فصل خواندن مصراع یا بیت و یا با تغییر نقش‌های دستوری کلمات، حداقل با دو معنی متفاوت مواجه خواهیم بود.

هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

ص ۲۷ فارسی ۳ درس سوم

در این بیت، «غم بیش و کم داشتن» دارای ایهام ساختاری است؛ یکی به معنی غم بیش و کم را داشتن و دیگری اینکه خود غم بیش و کم ندارد. با گذاشتن ویرگول بعد از غم دوم در مصراع دوم معنی متفاوت می‌شود.



منابع

۱. حسن‌زاده، شهریار. (۱۳۸۳). بدیع ساده در ادب فارسی. چاپ اول. خوی: قراقوش.
۲. سبزه‌علی‌پور، جهان‌دوست. (۱۳۸۹). مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز. سال دوم، شماره چهارم. پیاپی ۶، صص ۱۲۷ تا ۱۴۶.
۳. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). نگاهی تازه به بدیع. چ دهم. انتشارات فردوس.
۴. گرگانی، شمس‌العلمای محمدحسین. (۱۳۷۷). ابداع البدایع. به اهتمام حسین جعفری. چاپ اول. تهران: احراز.
۵. همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۱). فنون بلاغات و صناعات ادبی. چ چهارم. تهران: توس.